

اقدام پژوهی مبتنی بر سوء مصرف سیگار در میان پسران جوان (با تأکید بر نقش نهادهای کنترلی و تربیتی)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۷

وحید نقدی^۱، شقایق عالمین^۲

از صفحه ۹۱ تا ۱۲۶

چکیده

زمینه و هدف: این پژوهش در زمینه‌ی کج‌روی و انحرافات اجتماعی و در وجه سلبی، نظم اجتماعی انجام شده است. هدف و موضوع محوری آن، سوء مصرف سیگار توسط جوانان و یافتن علل مؤثر بر این رفتار کج‌رو است؛ لذا، رویکردهای اصلی در این پژوهش، نظریه‌های انحرافات اجتماعی و اخلاق اجتماعی است. **روش‌شناسی:** روش انجام تحقیق، بنا به امکانات و ماهیت، مورد پژوهی چندگانه‌ی مسوط و اقدام پژوهی درون‌موردی است. زمان‌های گردآوری اطلاعات، به‌عنوان نقاط محک، چهار سال جداگانه^۳ بوده است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق، حاکی از موفقیت نسبی اقدام پژوهی و کاهش هفت درصدی سوء مصرف سیگار میان جوانان حوزه‌ی تحقیق، طی مدت پژوهش است؛ اما الگوهای لجستیکی مبتنی بر اخلاق اجتماعی، حاکی از آن است که مسئولیت سوء مصرف سیگار توسط جوانان مورد مطالعه، در حال حاضر، بیش‌تر متوجه شرایط توزیع عادلانه‌ی مزایا و موقعیت‌های اجتماعی است.

نتیجه‌گیری: فعالیت‌های تربیتی در سطح خرد و متوسط، این توانایی را دارد که کاهش قابل توجهی در مصرف سیگار در میان پسران جوانان ایجاد کند؛ اما با توجه به شیوع این نوع کج‌رفتاری که بیش از ۳۰ درصد از جوانان مورد مطالعه را تشکیل می‌دهد؛ باید انتظار داشت که تمام متغیرها، در سطوح سه‌گانه‌ی خرد، متوسط و کلان بتوانند برای مقابله با آن فعال شوند. این در حالی است که شرایط سوء مصرف سیگار توسط جوانان مورد مطالعه، عمدتاً به‌طور ساختاری و از سطح کلان نشئت گرفته است و این مؤید آن است که تغییر آن، چندان مبتنی بر شرایط سطوح میانه و خرد نیست.

کلیدواژه‌ها

اقدام پژوهی، سوء مصرف سیگار، اخلاق اجتماعی، شبکه دوستان، هنجار انصاف، رگرسیون لجستیک.

۱. دکترای جامعه‌شناسی، مدرس گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی و عضو بنیاد ملی نخبگان (نویسنده مسئول)،

va.naghdhi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

۳. دوره‌ی اول این پژوهش (سال ۱۳۸۵)، با همکاری فرامرز رفیع‌پور (استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی) به انجام رسید (نقدی، ۱۳۸۵). دوره‌ی دوم، با همکاری ابراهیم خدایی (رئیس سازمان سنجش آموزش کشور) و سیدمحمد سیدمیرزایی (استاد دانشگاه شهید بهشتی) در قالب بخشی از پژوهش‌های انحرافات جوانان، ارائه شده است (نقدی و همکاران، ۱۳۹۱؛ نقدی و همکار، ۱۳۹۲). دوره‌ی سوم، با همکاری مسعود چلبی (استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی) انجام شده (نقدی، ۱۳۹۱) و بعد از آن نیز تاکنون (سال ۱۳۹۴)، با همکاری شقایق عالمین (دانشجوی دکترای مددکاری دانشگاه علامه طباطبایی) در قالب پیمایش و اقدام پژوهی در مراکز متعدد آموزشی، ادامه داشته است.

این پژوهش در زمینه انحرافات اجتماعی، با محوریت مصرف سیگار توسط جوانان است. مجموعه‌ی انحرافات اجتماعی، مهم‌ترین عوامل برهم‌زنی نظم اجتماعی را شامل می‌شود؛ لذا، مهم‌ترین زمینه‌ی این پژوهش را می‌توان «نظم اجتماعی» در نظر گرفت و اهمیت مصرف سیگار در میان انواع کج‌روی اجتماعی از آنجا نشئت می‌گیرد. تجارب پژوهشی محقق، نشان می‌دهد که این نوع کج‌رفتاری به‌عنوان مقدمه‌ی انواع دیگر رفتارهای انحرافی بوده و درعین حال تاکنون در کانون توجه محققان اجتماعی قرار نداشته است؛ از این‌رو، این پژوهش با توجه به تخصص علمی و وفاداری به رشته‌ی تحصیلی، به دنبال «کشف علل اجتماعی مؤثر بر سوءمصرف سیگار در میان جوانان» است.

به این ترتیب، ضرورت بررسی این نوع کج‌روی، از جانب پژوهشگران این تحقیق بسیار برجسته شده و برای پاسخ به پرسش‌های زیر فعال شده‌اند. این پرسش‌ها، توجه به چهار هدف علم، یعنی توصیف، تبیین، پیش‌بینی و تغییر (وندز زدن، ۱۳۸۱) طراحی شده‌اند؛ بنابراین، اهداف این پژوهش پاسخ به پرسش‌های محوری زیر است:

- ۱- چند درصد از دانش‌آموزان (در منطقه مورد تحقیق)، تجربه‌ی سوءمصرف سیگار را داشته‌اند؟
- ۲- چه شرایطی می‌تواند احتمال بروز این کج‌رفتاری را افزایش دهد؟
- ۳- چه راهبردها و راهکارهایی را برای جلوگیری از چنین رفتارهایی می‌توان ارائه داد؟
- ۴- با اقدامات لازم، در چه سطوحی می‌توان تغییرات لازم را اعمال کرد؟
- ۵- برای کاهش بیش‌تر رفتارهای انحرافی، در چه سطوحی باید تغییرات انجام شود؟

بیان مسئله

پیامدهای مخرب سوءمصرف سیگار، هر ساله به‌طور جدی از سوی سازمان جهانی بهداشت، گوشزد می‌شود. طبق گزارش‌های این سازمان، سوءمصرف سیگار، یکی از دلایل انواع بیماری‌ها، اعم از بیماری‌های پوستی، استخوانی، تنفسی، انواع سرطان، نارسایی‌های قلبی و عروقی است. طبق این گزارش‌ها، بیش از ۷۰ درصد موارد سیگاری‌شدن در این سنین نوجوانی اتفاق می‌افتد. یافته‌های این پژوهش مؤید آن است که به‌طور متوسط بیش از ۳۰ درصد جوانان که در این پژوهش مورد بررسی

قرار گرفته‌اند، تجربه‌ی سوء مصرف سیگار را داشته‌اند (جدول ۱). نتایج تحقیقات جهانی آشکار می‌سازد که اگر سوء مصرف سیگار از سنین نوجوانی شروع شده و به مدت ۲۰ سال یا بیشتر ادامه یابد، آنان بین ۲۰ تا ۲۵ سال زودتر از افرادی که به هیچ وجه در زندگی سیگار نکشیده‌اند، خواهند مُرد (دبلیو اچ او، ۲۰۱۳، ۲۰۱۳^a، ۲۰۱۳^b، ۲۰۱۳^c؛ ۲۰۱۲^d، وُست، ۲۰۰۹؛ لی واین، ۱۹۹۷).

عواقب روانی و اجتماعی سوء مصرف سیگار توسط جوانان، در کنار مضرات زیستی آن، موجب شده تا این رفتار همواره به عنوان یکی از انحرافات اجتماعی جوانان شناخته شود (وندن زندن، ۱۳۸۱). هم‌چنین، از بُعد اجتماعی، استفاده از سیگار برای جوانان، به عنوان رفتاری ملازم با دیگر رفتارهای انحرافی و از آن مهم‌تر، نقطه‌ی آغازین برای ارتکاب به دیگر انحرافات محسوب می‌شود (جدول ۲). به این ترتیب، محوریت این پژوهش، با مسئله‌ی سوء مصرف سیگار توسط جوانان تحدید شده است.

مبانی نظری

به منظور تبیین رفتارهای کج‌رو، معمولاً نظریه‌های انحرافات اجتماعی و جرم‌شناسی مورد استفاده قرار می‌گیرند (کالن و همکار، ۲۰۰۲). در این تحقیق، به غیر از عمده‌ترین نظریه‌های انحرافات اجتماعی، همچون فشار عمومی، بی‌سازمانی و کنترل اجتماعی و فراوانی معاشرت؛ به واسطه‌ی مراحل اقدام پژوهی، از چارچوب تلفیقی اخلاق اجتماعی نیز استفاده شده است.

نظریه فشار عمومی در تبیین کج‌روی جوانان، از جمله سوء مصرف سیگار، تأکید می‌کند که وقتی افراد نمی‌توانند به اهداف (پول، پایگاه در مدرسه،...) دست یابند، آنگاه یک وضعیت سخت یا فشار را تجربه می‌کنند. تحت چنین شرایطی، امکان دارد آن‌ها به این فشار از طریق کج‌روی پاسخ بدهند. این فشارها که به کج‌روی منتهی می‌شود، نه تنها ممکن است به انسداد اهداف (محرومیت از محرک‌های ارزشی)، بلکه به ارائه محرک‌های مضر و ترک محرک‌های ارزشی نیز منجر شود. وقتی که فشار، یک اثر منفی (عصبانیت و محروم‌سازی) را در پی داشته باشد؛ رفتار کج‌رو، مانند سیگار کشیدن، عمدتاً پاسخی به این فشار خواهد بود (کالن و همکار، ۲۰۰۲).

پیروان نظریه فشار، به تاسی از دورکیم و نظریه آنومی (آشفستگی اجتماعی)، اظهار می‌دارند که شکاف بین اهداف رویای آمریکایی؛ یعنی موفقیت‌های اقتصادی و

فرصت‌های دستیابی به این اهداف، یک فشار ساختاری را تولید کرده است. در چنین شرایطی، هنجارها ضعیف می‌شوند و به دنبال آن، آنومی بر جامعه چیره شده و میزان بالایی از کج‌روی ایجاد می‌شود. مهم‌تر این‌که، وقتی نهادهای اجتماعی دیگر (مثل خانواده)، توسط رویای آمریکایی ناتوان و ضعیف شده‌اند، نهاد اقتصاد مسلط شده و آرزوهای غیرقابل دسترس برجسته‌تر می‌شود. در چنین جامعه‌ای که از این عدم تعادل نهادی رنج می‌برد، کج‌روی افزایش خواهد یافت (کالن و همکار، ۲۰۰۲).

نقش فقر در نظریه فشار، به عنوان عامل مسدودکننده مسیرهای دستیابی به اهداف، بسیار مهم است. در این رابطه، نظرات متفاوتی در مورد رابطه فقر و کج‌روی مطرح شده است. مرتن و پیروان او، به تأسی از دورکیم تأکید می‌کنند که فقر به عنوان یکی از عوامل تشدید کننده فشار، یکی از عوامل مقوم ارتکاب جرم است (مرتن، ۱۹۷۱). در این دیدگاه، تأکید می‌شود که شکل‌های خاصی از فشار - مانند محرومیت نسبی، نارضایتی مالی و بیکاری - به استفاده از مواد دخانی و مخدر منتهی می‌شود (بارن، ۲۰۰۴).

در مقابل، رفیع‌پور به آرای کونینگ اشاره می‌کند و می‌گوید که فقر به تنهایی (بدون دخالت عوامل دیگر) بیش‌تر به عنوان یک عامل «ثبات‌بخش»، در جامعه تأثیر می‌گذارد؛ اما اگر در مقابل فقر، تصویر آرزوهای بلندپروازانه ارائه شود، در آن صورت فقر غیرقابل تحمل می‌شود و انسان کوشش می‌کند با همه ابزار ممکن - چه مجاز و مشروع و چه غیرمجاز و نامشروع - از وضعیت فقر بیرون آید؛ در نتیجه رفتارهای انحرافی رشد می‌کنند (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۸).

در این دیدگاه، عوامل روان‌شناختی، همچون «مذهبی بودن» و «عزت‌نفس» نقش مؤثری در پرهیز فرد از کج‌روی دارا هستند. احساس تقصیر یا گناه در روند اجتماعی شدن فرد، در عزت‌نفس بالا یا پایین او بسیار مؤثر است. مطابق نتایج تحقیقات مکرر، جوانانی که والدینشان آنان را نفی می‌کنند، استعداد بیش‌تری از احساس گناه و استعداد کم‌تری را در احساس تقصیر از خود نشان می‌دهند. به‌علاوه، احساس گناه با افسردگی بالاتر و احساس تقصیر با رفتار کج‌رو کم‌تری همراه است. یافته‌ها نشان می‌دهند که احساس گناه و تقصیر، به عنوان میانجی، نقاط مهمی را برای فعالیت‌های مانع و مداخله‌گر در کاهش افسردگی و کج‌روی جوانان فراهم می‌آورند (استونینگ و

همکاران، ۲۰۰۵). هم‌چنین، وقتی عزت‌نفس و خودکفایی فردی کاهش می‌یابد، مذهبی‌بودن به‌طور معنادار از تأثیر احساس منفی بر روی کج‌روی ممانعت می‌کند (جانگ و همکاران، ۲۰۰۳: ۷۹).

مطابق نظریه‌های فراوانی معاشرت، یادگیری اجتماعی و خرده‌فرهنگ، کج‌روی از طریق معاشرت با معانی کج‌رو آموخته می‌شود. این تعاریف ممکن است، مؤید تماس کج‌رو یا خنثی‌سازی‌هایی باشد که کج‌روی را فقط تحت شرایط خاص توجیه می‌کند. در این نظریه، کنش متقابل با همسالان ضداجتماعی یک دلیل عمده برای کج‌روی است؛ به‌طوری‌که اگر بر رفتار کج‌رو تأکید شود، مکرراً انجام و هم‌چنین مزمن خواهد شد. وقتی خرده‌فرهنگ کج‌رو وجود دارد، آنگاه خیلی از افراد می‌توانند ارتکاب جرم را در یک وضعیت آموزش ببینند و میزان کج‌روی - شامل سوء مصرف دخانی - به‌مراتب افزایش می‌یابد (کالن و همکار، ۲۰۰۲).

زمانی که کج‌روی جنبه آموزشی پیدا می‌کند، این کیفیت، عامل مؤثری بر تکثیر و تنوع رفتار انحرافی، توأم با نوآوری‌های آن می‌شود (نقدی، ۱۳۸۵). این نوع یادگیری در گروه‌ها، آثار ویژگی‌های گروهی مثل نژاد، ساختار خانواده و علاقه گروهی را تنظیم می‌کند (ماتسودا، ۱۹۹۴: ۳۶۷). هاگان و همکارانش نیز تأکید می‌کنند که در معرض انحرافات بودن، در کج‌روی جوانان مؤثر است (هاگان و همکاران، ۲۰۰۱: ۸۷۴).

در رابطه با یادگیری رفتارهای کج‌رو، شارف می‌گوید که یک اصل یادگیری، یادگیری از طریق مشاهده است. در این فرایند، فرد از طریق مشاهده، رفتار اطرافیان را الگوبرداری می‌کند و سپس از روی آن الگوها رفتار می‌کند. اساساً آموزش توأم با مشاهده، زمینه‌های مثبت و منفی رفتار را فراهم می‌سازد؛ بنابراین، مشاهده تلویزیون آثار بیش‌تری در مقایسه با رادیو دارد. حتی در درون یک صحنه قرار گرفتن، از آنجا که نظاره‌گر را می‌تواند فعال کند، باز اثر بیش‌تری از رادیو دارد (شارف، ۲۰۰۱: ۲۹۰).

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، تأکید می‌کند که مسبب انواع کج‌روی، از جمله سیگار کشیدن جوانان، اجتماعات بدون سازمان‌دهی هستند؛ زیرا در این شرایط، کنترل‌های اجتماعی غیررسمی شکسته شده و فرهنگ‌های کج‌رو نمایان می‌شوند. این شرایط فاقد تأثیر جمعی، در مقابله با کج‌روی و بی‌نظمی است (کالن و همکار، ۲۰۰۲).

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی بر تأثیر اجتماع خودتنظیم‌کننده، از طریق نهادهای توافقی مثل خانواده و مدرسه تأکید دارد. اجتماعاتی با خانواده‌ها و مدارس قوی از طریق نظارت پیوسته، اجتماعی کردن و آموزش ارزش‌های توافقی و تعهد به فعالیت‌های جمعی، جوانان را از کج‌روی بازمی‌دارند. در این رابطه، مفهوم «انتقال فرهنگی» مطرح می‌شود: «چگونه جوانان بدون نظارت و بدون وابستگی، به‌طور مثبت از طریق ارزش‌ها، سنت‌ها و همسالان کج‌رو برای کج‌روی انگیزه پیدا می‌کنند؟». این شکل اخیر به‌طور تلویحی بیان می‌کند که کنترل سازمانی کج‌رو^۱، برای مثال گروه‌های همسال، هیچ اثری روی رفتار کج‌رو ندارد و بیان می‌کند که کنش متقابل با همسالان کج‌رو، انگیزه رفتار کج‌رو را ایجاد می‌کند (هیمر و همکار، ۱۹۹۴: ۳۶۷).

در دیدگاه‌های کنترل اجتماعی و نظریه عمومی جرم، به این موضوع پرداخته می‌شود که «چرا برخی مردم مرتکب کج‌روی نمی‌شوند؟». در این دیدگاه‌ها، فرض می‌شود که انگیزه کج‌روی همه‌جا گسترده شده است و عامل کلیدی در کج‌روی، وجود کنترل یا عدم آن می‌باشد. این کنترل‌ها، ممکن است در روابط (گروه‌های اجتماعی) یا به‌طور درونی (خودکنترلی) ریشه داشته باشند (کالن و همکار، ۲۰۰۲). در این رابطه، برخی پژوهش‌ها مؤید آن است که ضمانت اجرایی کنترل‌های درونی - در بسیاری از مواقع - بیش از کنترل‌های بیرونی است. پایبندی‌های مذهبی شاهدی بر این مدعاست (نقدی، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۱).

سایمونز، افرادی با خودکنترلی پایین را با خصوصیات مثل عامل بدون فکر^۲، مصالحه ناپذیر^۳، خودمحور، بی‌احساس، ریسک‌پذیر و بی‌دغدغه نسبت به آینده وصف می‌کند. او ادامه می‌دهد که گاتفردسون و هرشی، تأکید می‌کنند که خودکنترلی از شیوه سرپرستی توسط والدین سرچشمه می‌گیرد (سایمونز، ۲۰۰۴: ۲۷).

نهاد خانواده و شیوهی فرزندپروری، در جلوگیری از کج‌رفتاری جوانان مؤثر است. باومریند، روش‌های فرزندپروری را در دو بُعد شناسایی می‌کند:

۱- مسئولیت‌پذیری: شامل نزدیک شدن، روابط گرم، روابط حمایت‌کننده و هماهنگ با نیازهای فرزند؛

1. Delinquent Organizational Control
2. Impulsive
3. Uncompromising

۲- **سخت‌گیری:** شامل کنترل از طریق اقدامات نظم‌دهنده، تمایل به واکنش نسبت به فرزند در هنگام سرپیچی است.

او می‌گوید که مؤثرترین محیط پرورش کودک، سطوحی از ابعاد مسئولیت‌پذیری و سخت‌گیری است (برک، ۱۳۸۹؛ سایمونز، ۲۰۰۴: ۲۵).

در نظریه کنترل اجتماعی، بر کنترل بیرونی نیز تأکید فراوان می‌شود. پیروان این دیدگاه تصریح می‌کنند که سیستم کنترل بیرونی، باید دارای دو کارکرد باشد: نخست، میزان مجازات برای یک کار خلاف، باید بسیار سنگین باشد؛ دوم، احتمال کشف کار خلاف از سوی نیروهای کنترل‌کننده، باید بسیار زیاد باشد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۴۰-۳۸). دیگر این‌که، اقتدار اخلاقی نیروی پلیس در محله‌ها، برای جلوگیری از رفتارهای کج‌روی جوانان بسیار مهم است. البته، تأثیر پلیس و دادگاه‌ها، در تمام جنبه‌های عملکردشان، بستگی به همکاری اجتماع عمومی آن‌ها دارد؛ همکاری که به پایگاه اخلاقی پلیس و دادگاه‌ها و قوانینی که آن‌ها به کار می‌گیرند، بستگی دارد (کوهن و همکار، ۱۹۷۱: ۹۵).

اما در میان اندیشمندان حوزه جرم‌شناسی و انحرافات اجتماعی، عده‌ای نیز به دنبال تلفیق نظری و پوشش نقاط ضعف دیدگاه‌های رقیب هستند. کالن و اگنیو، با نوعی تمایل به نظریه تلفیقی^۱، عمدتاً با ترکیب نظریه‌های فشار، کنترل و یادگیری اجتماعی، موافقت بیشتری دارند (کالن و همکار، ۲۰۰۲). اگرز، سه نظریه‌ی آشفتگی اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی و فشار را در یک طبقه دسته‌بندی می‌کند. نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی و انومی (هم‌چنین نظریه فشار) از سنت‌های نظری و تحقیقی متفاوتی منتج می‌شوند. [اولی] از آنجا که آن‌ها موضوع مشترکی دارند، در یک فصل مورد بررسی قرار می‌گیرند (اگرز، ۲۰۰۴: ۱۵۹). شیدر نیز به تاسی از فارینگتون، با ارائه مفهوم پارادایم «عوامل خطر ساز»^۲، سعی در تلفیق دیدگاه‌های نظری و تبیین رفتارهای کج‌رو، همچون مصارف دخانی دارد. او عوامل خطر ساز را در سه سطح فرد، خانواده و محله مورد بررسی قرار می‌دهد (شیدر، ۱۹۹۵: ۷-۵).

چارچوب اخلاق اجتماعی نیز، به عنوان یک نظریه تلفیقی، به طور جدی به مقوله‌ی انحرافات اجتماعی پرداخته است. در این چارچوب نظری، کج‌روی نه‌تنها یک موضوع ضداخلاقی در سطح خرد تلقی می‌شود؛ بلکه عدم رعایت اخلاقیات، به‌ویژه عدالت، در سطوح بالاتر نیز شرایط بروز و شیوع کج‌روی‌ها را فراهم می‌کند.

شأن والای شرایط مناسب، برای توسعه‌ی رفتارهای سالم و پرهیز از رفتارهای کج‌رو، عملاً از آغاز دهه‌ی ۱۹۷۰ بیش‌تر جلوه‌گر شد؛ یعنی، زمانی که رالز به عنوان یک نئوکانتی، نظریه‌ی خود را در حوزه‌ی فلسفه‌ی سیاسی منتشر کرد. از آن زمان تاکنون، توجه متفکران اجتماعی و سیاسی، به نقش بی‌بدیل شرایط ترویج اخلاق در اداره‌ی جامعه، بیش از پیش جلب شده است. رالز، از پاره‌ای اصول اخلاقی دفاع می‌کند که به زعم او، باید بر نحوه‌ای که جامعه، حقوق و مسئولیت‌ها و نیز منافع تشریک‌مسابی اجتماعی را توزیع می‌کند، حکم‌فرما باشد. این اصول اخلاقی که عقلانی نیز شمرده می‌شوند، عبارت‌اند از:

اصل اول: هر کس در طرحی کاملاً کافی نسبت به آزادی‌های بنیانی برابر و همساز با آزادی همگان، دارای حق مسلم یکسان است؛

اصل دوم: نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به دو شرط قانع‌کننده هستند: نخست، این که این نابرابری‌ها باید مختص به کسب مناصب و مقام‌هایی باشند که تحت شرایط برابری منصفانه‌ی فرصت‌ها برای همگان فراهم است و دوم، این نابرابری‌ها بیش‌ترین سود را برای محروم‌ترین اعضای جامعه دارا باشند (مک‌کورمیک، ۲۰۰۳: ۱۱؛ رالز، ۱۹۷۱، ۲۰۰۱: ۴۲).

این اصول، شرایط ظهور عدالت را در برمی‌گیرد. شرایطی که در آن، رعایت هنجار انصاف و ملاک‌های شایستگی و استحقاق برای دستیابی به مزایا و موقعیت‌های اجتماعی در سطح جامعه میسر می‌شود (استینر، ۲۰۰۶: ۴۷۰-۴۶۶؛ رالز، ۲۰۰۱؛ ۱۹۷۱: ۹۰-۸۳؛ لیونز، ۱۹۹۹).

این دیدگاه، بسط عدالت توزیعی و محترم‌شمردن حقوق جوانان، شرایط را برای نهادینه شدن صفات والای انسانی در جوانان و نونهالان فراهم می‌کند. به نسبت احقاق شرایط مزبور، فرایند آموزش و پرورش در نهادهای رسمی و غیررسمی مثرثمر واقع شده و طبعاً، زمینه برای پرهیز جوانان از انواع کج‌رفتاری‌ها، به‌ویژه سوءمصرف دخانی،

گسترده خواهد شد (تورن بلوم و همکاران، ۲۰۰۷: ۶۶-۱۳؛ کریسبرگ، ۲۰۰۶: ۱۸-۶؛ اسمندیچ، ۲۰۰۶: ۳۳-۱۹؛ مونچی و همکاران، ۲۰۰۶: ۴۷-۳۳؛ فِندویک، ۲۰۰۶: ۱۵۸-۱۴۶).

از دیدگاه اخلاق اجتماعی، جرم‌خیزی منطقه‌ای خاص، یا انحرافات مربوط به یک طبقه‌ی سنی، به‌ویژه جوانان، وابسته به توسعه یا عدم توسعه عدالت در آن شرایط است (کوک، ۲۰۰۶). در حقیقت، رفتارهای کج‌رو و انحرافات اجتماعی، پاسخ به جامعه‌ای است که منابع را ناعادلانه توزیع کرده و حقوق جوانان کج‌رو را رعایت نکرده است. این احساس بی‌عدالتی، انواع فشار را بر عاملان اجتماعی وارد می‌کند و تمایل آنان نسبت به تعدی در حقوق دیگران را مجاز می‌سازد (هادسون، ۲۰۰۳: ۷۷-۴۰؛ ۲۰۰۳؛ میث و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۹۶)؛ به‌عبارت‌دیگر، مسئولیت انواع انحرافات بر عهده‌ی نامهربانی‌های اعیان اجتماعی نسبت به منحرفین، قبل از ارتکاب به کج‌روی‌ها است. از این دیدگاه، اگر موضع‌گیری ساختارهای جامعه در مقابل نونهالان و نوجوانان، مطابق شأن انسانی نباشد، رفتارهای منحرفانه و مجرمانه در آنان نهادی شده و به ظهور می‌رسد (انگستر، ۲۰۰۷؛ کوک، ۲۰۰۶؛ هادسون، ۲۰۰۳).

در دیدگاه اخلاق اجتماعی، رعایت قانون نیز با تکیه بر اخلاقیات میسر خواهد شد. در حقیقت، قوانینی قابلیت اجرا در سطح جامعه را دارا هستند که وجه اخلاقی آن‌ها به‌طور قابل مشاهده نسبت به وجوه دیگر، برتری داشته باشد (استینر، ۲۰۰۶: ۴۷۰-۴۶۶؛ لیونز، ۱۹۹۹). پیروان این دیدگاه، پیش‌شرط حاکمیت قانون را، محتوای غنی و عادلانه قوانین دانسته‌اند؛ اما به زعم آنان، آنچه در مورد حاکمیت قانون، بیش‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد و از جانب افراد یک جامعه بارزتر تلقی می‌شود، هنجارهای قانونی رویه‌ای است. آنان تأکید می‌کنند که حتی وقتی این قواعد واضح نباشند، رویه‌های قانونی، در بهترین وضعیت، برای ارائه‌ی ارزش‌های مهمی همچون عقلانیت، بی‌طرفی، انصاف و سازگاری تلقی خواهند شد. رویه‌های قانونی، شانه به شانه‌ی ارزش‌هایی که ارائه می‌کنند و فارغ از فرایندهای قانونی‌شان، اغلب به مثابه محتوای اخلاقی، همچون احترام مبتنی بر هنجار انصاف با ملاک‌های شایستگی و استحقاق، در حکم آخرین حجت در حاکمیت قانون نمایان می‌شوند (بیچیری، ۲۰۰۶: ۲۲۰-۲۱۴؛ لیونز، ۱۹۹۹: ۱۹۳).

ملاحظه می‌شود که دیدگاه اخلاق اجتماعی در تبیین رفتارهای انحرافی و کج‌روی‌های اجتماعی از دقت نظر و ظرافت‌های خاصی برخوردار است؛ لذا، در مطالعات انحرافات اجتماعی، شایسته است که در کنار نظریه‌های انحرافات اجتماعی، از نظریه‌های اجتماعی اخلاق نیز استفاده شود.

پیشینه تحقیق

حجم بسیار زیادی از مطالعات اجتماعی به انواع کج‌روی اجتماعی اختصاص داده شده است. این در حالی است که مصرف سیگار به عنوان یک رفتار کج‌رو و مؤثر بر برهم‌زنی نظم اجتماعی در کانون توجه محققان مربوطه قرار نداشته است (وندز زندن، ۱۳۸۱). البته، آسیب‌های فردی و اجتماعی این نوع رفتار کج‌رو از جانب نهادهای بهداشتی در جهان مورد توجه بوده و هست (دبلیو ایچ او، ۲۰۱۳، ۲۰۱۳، ۲۰۱۳، ۲۰۱۳، ۲۰۱۲).

برخی تحقیقات طولی، حاکی از تضعیف اخلاقیات و روند افزایشی انواع انحرافات است که به لحاظ آماری، ملازم با روند افزایشی سوءمصرف سیگار بوده‌اند (نقدی و همکار، ۱۳۹۲؛ نقدی، ۱۳۹۱، نقدی و همکاران، ۱۳۹۱). تلازم آماری سوءمصرف سیگار با انواع انحرافات اجتماعی را می‌توان در جدول ۲ مشاهده کرد. آنچه در این تغییرات افزایشی از همه بارزتر است، نقش انفعالی نظام تعلیم و تربیت و عدم توانایی کانون تربیتی مدارس در تربیت اخلاقی جوانان می‌باشد (نقدی و همکار، ۱۳۹۲؛ نقدی، ۱۳۹۱ الف).

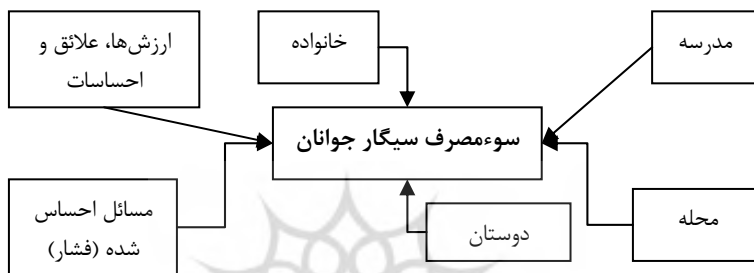
این مهم، زمانی بسیار برجسته می‌شود که نقش محوری اخلاق اجتماعی، در برقراری نظم اجتماعی و توسعه‌ی موزون آشکار می‌شود (نقدی و همکاران، ۱۳۹۲؛ نقدی، ۱۳۹۲ الف).

از این‌رو، به نظر می‌رسد، جامعه‌ی امروزی ما محتاج مطالعات منظم و موثق در مورد برخی کج‌رفتاری‌ها، مانند سوءمصرف سیگار و بررسی متغیرهای مقوم وجه عملی اخلاق اجتماعی است. این، در حالی است که کوشش برنامه‌ریزان راهبردی و تلاش متولیان فرهنگی نیز همواره نشان از اراده‌ای قوی، در جهت تقویت اخلاقیات و کاهش رفتارهای کج‌رو، همچون مصارف دخانی، در سطح جامعه داشته است.

با توجه به نظریه‌های ذکر شده در چارچوب نظری، الگوی تحقیق زیر مبتنی بر سطوح اثرگذاری متغیرها، ارائه می‌شود:

الگوی مفهومی تحقیق

اکنون با توجه چارچوب نظری که مطرح شد، هم‌چنین دانش محتوایی^۱ و بومی که از حضور مداوم در محیط پژوهش حاصل شده است؛ الگوی نظری زیر ارائه می‌شود. این الگو، دارای متغیرهای وابسته و مستقل متنوعی است که در قسمت بعدی به آن‌ها اشاره می‌شود.



نمودار ۱: الگوی نظری سوء مصرف سیگار توسط پسران جوان

فرضیه‌ها

با توجه به الگوی مفهومی، می‌توان فرضیه‌های زیر را بر اساس نوع تعاملات در فضاهای اجتماعی متنوع، ارائه کرد. تأکید می‌شود که جهت تأثیرگذاری متغیرهای مستقل در الگوهای تعلیل (علت‌یابی)، این موارد مشخص خواهند شد:

- ۱- تعاملات در فضای اجتماعی محلّه، بر سوء مصرف سیگار توسط جوانان تأثیر می‌گذارد؛
 - ۲- تعاملات در فضای خانواده، بر سوء مصرف سیگار توسط جوانان تأثیر می‌گذارد؛
 - ۳- تعاملات در فضای اجتماعی دوستان صمیمی، بر سوء مصرف سیگار توسط جوانان تأثیر می‌گذارد؛
 - ۴- مسائل احساس شده توسط جوانان، بر سوء مصرف سیگار توسط جوانان تأثیر می‌گذارد؛
 - ۵- ارزش‌ها و علائق جوانان، بر سوء مصرف سیگار توسط جوانان تأثیر می‌گذارد.
- در ادامه، به روش‌های متنوعی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته، پرداخته

می‌شود. این روش‌های کمی و کیفی، در جهت پاسخ به پرسش‌های محوری تحقیق برگزیده شده‌اند.

روش‌شناسی تحقیق

گزارش اصلی این پژوهش، بر اقدام‌پژوهی و نتایج به‌دست آمده در سال ۱۳۹۴ است؛ یعنی موج چهارم تحقیقات طولی که نقطه‌ی آغاز آن سال ۱۳۸۵ بوده است. در این بازه‌ی زمانی، از روش‌های عمیق کیفی استفاده‌ی وافر شده و برای سنجش شرایط و میزان تغییرات انجام شده، چهار «نقطه محک»^۱ در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۴ مورد استفاده قرار گرفته‌اند که در این گزارش فقط به گزارش سال ۱۳۹۴ بسنده می‌شود.

مطابق توصیه روش‌شناسان تحقیق اجتماعی، راهبرد اصلی این تحقیق، بنا به ماهیت موضوع؛ یعنی سنجش رفتار انحرافی، تحقیق کیفی بوده و در قالب «طرح موردپژوهی چندگانه مبسوط»^۲ ارائه شده است (بین، ۲۰۰۳). لذا، در جمع‌آوری اطلاعات در کنار روش‌های کیفی، نظیر مشاهده و مصاحبه‌های فردی و گروهی، از روش پیمایش و به‌کارگیری پرسشنامه در نمونه‌های منتخب استفاده شده است. گزارش این پژوهش نیز عمدتاً بر پایه‌ی تحلیل آماری موارد سؤال شده از پاسخ‌گویان و مشاهدات کیفی در محیط‌های پژوهش است. برای این منظور، با توجه به اختیارات محقق در موردپژوهی و حوزه‌ی سوء‌مصرف سیگار که به‌طور چشم‌گیر جنس مرد را دربر گرفته؛ هم‌چنین، بنا به دو ملاک قابلیت دسترسی و کفایت، جوانان محصل در دبیرستان‌های پسرانه‌ی منطقه‌ی ملارد انتخاب شده‌اند.

ادامه‌ی تحقیقات، در مرحله‌ی چهارم (سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳) که با هدف تغییرات مثبت انجام گرفت، با محوریت «اقدام‌پژوهی»^۳ مورد تعقیب واقع شد. تأکید اقدام‌پژوهی، بر نتیجه‌ای است که احتمالاً از تحقیق حاصل می‌شود؛ لذا، هدف اقدام‌پژوهی - به عنوان یک تحقیق طولی - هم تشویق افراد به مورد مطالعه واقع شدن، به عنوان مشارکت‌کنندگان و هم نائل آمدن به نتایج تجربی است (کتلو، ۲۰۱۱؛

1. Benchmark Points
2. Multiple embedded Case Study Design
3. Action Research

مک‌این‌تایر، ۲۰۰۸؛ سامخ، ۲۰۰۶؛ اسکلیچی، ۲۰۰۱؛ بیکر، ۱۹۹۹). این نوع تحقیق، بیش‌تر در مطالعات مدارس و سازمان‌های دیگر معمول است. یکی از انواع این روش، اقدام‌پژوهی مشارکتی^۱ است و اغلب با اجتماع‌هایی صورت می‌پذیرد که سعی در پیروز شدن بر شرایط منفی یا سرکوبگر دارند. در چنین شرایطی، محقق موضوعات تحت مطالعه را نه تنها به عنوان تولید دانش و فهم محتوایی - که احتمالاً برای سازمان‌دهی مفید است - در نظر می‌گیرد؛ بلکه به عنوان ارتقابخش آگاهی میان اعضای گروه به کار می‌بندد (بیکر، ۱۹۹۹: ۲۴۱)؛ از این رو، با استفاده از اطلاعات به دست آمده و مشارکت با دانش‌آموزان مورد مطالعه، تحقیقات کیفی و اقدام‌پژوهی به صورت عمیق‌تر عملیاتی شد (کتلو، ۲۰۱۱؛ مک‌این‌تایر، ۲۰۰۸؛ سامخ، ۲۰۰۶).

نتایج تحقیقات طولی، حاکی از موفقیت نسبی اقدام‌پژوهی و کاهش نسبی سوء مصرف سیگار توسط جوانان بوده است؛ اما بالا بودن میزان این نوع رفتار انحرافی، مجدداً محقق را بر آن داشت تا با تکیه بر یافته‌های تحقیق، دامنه‌ی اقدام‌پژوهی را وسیع‌تر کند و حاصل آن را در دوره‌ی محک‌ بعدی مورد سنجش قرار دهد. به این ترتیب، در سال ۹۴-۱۳۹۳ نیز از ۲۶۵ دانش‌آموز که به نسبت، مورد اقدام پژوهی نیز واقع شده بودند، خواسته شد که به پرسش‌نامه‌ی مبتنی بر نظریه‌های اخلاق اجتماعی پاسخ دهند. مهم‌ترین دلیل تغییر در چارچوب نظری، این پیش‌بینی بود که اقدام‌پژوهی مبتنی بر متغیرهای موجود، احتمالاً کاهش واریانس قابل ملاحظه‌ای به دنبال داشته و متعاقباً نظریه‌های مزبور توانایی تبیین این رفتار انحرافی را از دست داده‌اند؛ لذا، در مرحله‌ی چهارم، با استعانت از چارچوب نظری اخلاق اجتماعی، سوء مصرف سیگار توسط پسران جوان، مورد تحلیل قرار گرفت.

تأکید می‌شود که این تحقیق، مدعی قابلیت تعمیم نتایج به کل جوانان استان تهران نیست؛ اما در شرایط نسبی مشابه، یافته‌های این پژوهش را می‌توان به نواحی مشابه دیگر نیز تعمیم داد. البته شرایط مشابه پژوهش انجام شده، در سرتاسر استان تهران قابل مشاهده است. با توجه به این‌که:

- مهاجرت به اکثر مناطق این استان، ویژگی منحصر به فرد محله‌ها را تخریب و کنترل غیررسمی این محله‌ها را تضعیف و به مرز نابودی کشانده است؛

- هجوم رسانه‌ای غرب از طریق تبلیغات؛
 - هنجاری شدن استفاده از امکانات دریافت برنامه‌های ماهواره‌ای؛
 - عدم مدیریت مناسب والدین بر فرزندان، هم به دلیل عدم حضور مناسب در خانواده و هم به دلیل عدم دانش مناسب در جهت تربیت و راهنمایی فرزندان؛
 - عدم عملکرد مناسب نیروهای کنترل بیرونی و رسمی.
- در نقاط مختلف استان تهران، انواعی از بی‌سازمانی اجتماعی پدید آمده است. این انواع بی‌سازمانی اجتماعی به شرایط تحقیق انجام شده نیز بسیار شبیه هستند؛ بنابراین، با رعایت معیارهای علمی؛ درحالی‌که به تعمیم نتایج این پژوهش اصرار نمی‌شود، ولی یادآور می‌شود که گستردگی شرایط مشابه در استان تهران و دیگر کلان‌شهرها اجازه نمی‌دهد که از یافته‌های این پژوهش به‌راحتی بگذریم.

یافته‌های تحقیق

این بخش را با توصیفی در مورد متغیر وابسته شروع می‌کنیم و سپس به تعلیل آن (سوءمصرف سیگار توسط پسران جوان) می‌پردازیم.

الف) یافته‌های توصیفی

زمینه‌های بزهکاری جوانان، همیشه برای اولیا و مربیان، هم‌چنین مسئولان جامعه نقاط مبهمی را تشکیل داده‌اند؛ زیرا این موضوعات، نسبتاً در حیطه خصوصی جوانان است و آن‌ها حاضر نیستند به‌راحتی در مورد امور شخصی خود با اولیا و مربیان خود صحبت کنند. ولی در خلال تحقیق کیفی و نزدیک‌تر شدن به دانش‌آموزان، با آشکار شدن فضاهای پنهان احساسی جوانان، موارد خصوصی زندگی آن‌ها خصوصاً بزهکاری‌های آنان، اکنون برایمان روشن‌تر شده است. در جدول (۱)، می‌توان تجارب سوءمصرف سیگار توسط دانش‌آموزان مورد تحقیق در سال‌های ۸۵ تا ۹۳ را مشاهده کرد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، درصد فراوانی سوءمصرف سیگار توسط پسران محصل، بیش از ۳۰ درصد بوده و در نوع خود قابل توجه و نسبتاً تکان‌دهنده است. با توجه به حساسیت مسئله در میان جوانان مورد تحقیق، شاید بتوان مقادیر مفقوده و پاسخ نداده را از جمله افرادی به حساب آورد که تجارب یادشده را داشته‌اند، ولی نسبت به گزارش آن امتناع کرده‌اند.

جدول ۱: توزیع (درصدی) فراوانی سوءمصرف سیگار

در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴

سال	مفقوده	اصلاً نداشته	تجربه داشته
۱۳۸۵	۱/۸	۶۴/۸	۳۳/۴
۱۳۸۶	۰/۵	۶۹/۸	۲۹/۷
۱۳۹۰	۰/۹	۷۲/۶	۲۸/۱
زمستان سال تحصیلی ۱۳۹۴-۹۳	۰/۹	۷۱	۲۶/۵

روند کاهش این رفتار انحرافی در سال‌های ۹۰ و ۹۱، مؤید آن است که با استعانت از اقدام‌پژوهی، نه تنها می‌توان مانع گسترش انحرافات شد، بلکه می‌توان دامنه‌ی گسترش آن را محدودتر نیز کرد و چه‌بسا ممکن است در غیاب اقدام‌پژوهی، انواع رفتارهای انحرافی (نقدی و همکاران، ۱۳۹۱، نقدی، ۱۳۹۲) تا اندازه‌ای گسترش یابد.

به‌هرحال، میزان کج‌روی یادشده، هم‌چنین تغییرات مشاهده شده، ما را بر آن داشت تا مطابق الگوهای نظری متفاوت، به تحلیل این نوع کج‌رفتاری بپردازیم. با جمع کردن مقادیر رفتار انحرافی فوق، شاخص سوءمصرف سیگار ساخته شد: افرادی که این تجربه را نداشته‌اند مقدار صفر (۰) و افرادی که این رفتار انحرافی را تجربه کرده‌اند، مقدار یک (۱) را به خود اختصاص داده‌اند. به این ترتیب، شاخص سوءمصرف سیگار در ارتباط آماری با متغیرهای مستقل که از نظریه‌ها استخراج شده‌اند، مورد تحلیل رگرسیون لجستیک قرار گرفته است.

ب) یافته‌های استنباطی

یافته‌های تحقیق، حاکی از همبستگی آماری میان سوءمصرف سیگار و دیگر کج‌روی‌ها، توسط پسران جوان است. این مهم را می‌توان در جدول (۲) مشاهده کرد.

جدول ۲: همبستگی مجموعه‌ی انحرافات اجتماعی در میان پسران جوان در نمونه‌ی تحقیق

دزدی	فروش مواد مخدر	فروش مشروب	روابط جنسی	مواد مخدر	سوءمصرف مشروب	خشونت خیابانی	خشونت مدرسه‌ای	سوءمصرف سیگار
سیگار	۰/۲۰۴	۰/۲۸۳	۰/۵۳۱	۰/۲۸۳	۰/۳۱۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳
خ. مدرسه‌ای	۰/۰۰۳	۰/۱۸۴	۰/۳۵۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
خ. خیابانی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
مشروب	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
مواد مخدر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
روابط جنسی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
ف. مشروب	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
ف. م. مخدر	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
دزدی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

الف) اعدادی که در مثلث بالای قطر جدول و در خانه‌های رنگی قرار دارند، همبستگی‌های آماری دوجه‌دوی متغیرها هستند.

ب) اعدادی که در مثلث پایینی قطر جدول و در خانه‌های غیررنگی قرار دارند، متناظراً سطح معناداری اعداد همبستگی هستند.

تأکید می‌شود که وجود همبستگی آماری، ضرورتاً دالّ بر وجود رابطه علی بین متغیرها نیست. این که آیا این روابط کاذب هستند یا علی و اگر علی هستند، چه جزئی از آن‌ها، ناشی از اثر مستقیم است و چه جزئی اثر غیرمستقیم، در تحلیل رگرسیونی چندگانه تا حدودی روشن خواهد شد (چلبی، ۱۳۸۵ الف: ۱۷۴)؛ از این‌رو، به جهت پرهیز از اطاله‌ی کلام و صرفه‌جویی در فضای مقاله، از گزارش روابط همبستگی خودداری شده و سریعاً به گزارش الگوهای رگرسیونی پرداخته می‌شود.

رگرسیون لجستیک چند متغیره: با توجه به توصیف سوءمصرف سیگار در بین جوانان و حساسیت تحلیل این نوع انحراف اجتماعی، از الگوهای نظریه فشار، بی‌سازمانی و کنترل اجتماع، فراوانی معاشرت و دیدگاه تلفیقی اخلاق اجتماعی استفاده می‌شود؛ از این‌رو، برای بررسی این رفتار انحرافی، متغیرهای مربوط به هر یک از دیدگاه‌های نظری با استفاده از نرم‌افزار محاسبات آماری برای علوم اجتماعی، معادلات رگرسیون لجستیک وارد شده و سهم هر متغیر در احتمال وقوع سوءمصرف سیگار، مورد بررسی قرار می‌گیرد. یادآوری می‌شود که معیار معناداری در رگرسیون لجستیک شرط $wald \geq 2$ ، در نظر گرفته شده است؛ به عبارت دیگر، شاخص معناداری هر متغیر که در الگوسازی ریاضی قرار گرفته، در صورتی که کم‌تر از مقدار ۲ باشد، در تحلیل آنالوگ قرار نمی‌گیرد. از این‌رو، متغیرهای معنادار در الگوی رگرسیون لجستیک، با رنگ طوسی از دیگر متغیرها متمایز شده‌اند.

تحلیل رگرسیون لجستیک مطابق نظریه فشار: الگوی (۱) که در جدول (۳) نشان داده شده، مبتنی بر تبیین سوءمصرف سیگار از دیدگاه نظریه فشار است. این الگو، نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مربوط به نظریه فشار، فقط متغیر «ارزیابی از وضع مالی» به شکل معنادار توانایی تبیین این رفتار انحرافی را دارد؛ به عبارت دیگر، فارغ از این که شرایط زندگی جوانان از جانب دیگران چگونه ارزیابی شود و درآمد سرپرست خانواده چه مقدار باشد؛ ذهنیت آنان از شرایط زندگی‌شان در گرایش آن‌ها نسبت به سوءمصرف

سیگار مؤثر است؛ به طوری که هر چه آنان وضع مالی خانواده‌ی خود را مناسب‌تر ارزیابی کنند، احتمال ارتکاب آنان به این رفتار انحرافی کاهش خواهد یافت.

جدول ۳ (الگوی ۱): رگرسیون لجستیک سیگار کشیدن جوانان بر مبنای نظریه فشار

wald	B	متغیرها	wald	B	متغیرها
۰/۶۰	۰/۱۴	اعتماد به نفس	۱/۹۰	-۵/۳۵	مقدار ثابت معادله
۱/۴۳	۰/۱۷	خیال پردازی	۰/۵۶	۰/۱۲	عدم احتمال دستیابی به اهداف
۰/۶۴	-۰/۱۰	نماز خواندن	۰/۶۴	۰/۳۴	(درآمد سرانه) Ln
۰/۲۴	-۰/۳۰	احساسی بودن	۲/۸۱	-۰/۳۳	ارزیابی از وضع مالی خوب
۰/۱۹	۰/۱۹	رفوزه شدن	۱/۱۴	۰/۱۵	فردگرایی
۰/۶۹	۰/۴۱	گوش دادن به موسیقی	۰/۱۲	۰/۰۷	خودکفایی فردی
۰/۵۸	۰/۱۴	گرایش‌های کج‌رو	۰/۰۰	-۰/۰۱	احساس مفید بودن
			۰/۲۶۹		معناداری الگو
			۲۱/۲۱		کای دو
			۰/۱۵		ضریب تعیین (آر دو)
			۰/۶۹		ضریب تفکیک

الگوی (۱)، توانایی متمایز ساختن ۷۰ درصد پاسخ‌گویان، برحسب این رفتار انحرافی را دارا است؛ اما با توجه به اقدام پژوهی‌های انجام شده در بازه‌ی زمانی یادشده، معناداری الگو از اعتبار ساقط شده است. هم‌چنین، ضریب تبیین ۰/۱۵، حاکی از آن است که نظریه فشار، دیگر توانایی چندانی در تبیین سوء مصرف سیگار توسط جوانان را ندارد؛ این، به آن معناست که اگر فردی علت چنین رفتار انحرافی را در مشکلات احساس شده توسط جوانان ارزیابی کند، آن ارزیابی دارای اعتبار چندانی نخواهد بود.

تحلیل رگرسیون لجستیک مطابق نظریه‌های بی‌سازمانی و کنترل اجتماعی: الگوی (۲) که در جدول (۴) آمده، الگوی رگرسیونی سوء مصرف سیگار توسط جوانان را مطابق نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی و کنترل اجتماعی به نمایش گذاشته است. این الگو، دارای چهار متغیر معنادار است: سه متغیر در سطح خانواده و یک متغیر در سطح مدرسه.

همان‌طور که در الگوی (۲) مشاهده می‌شود، در منطقه‌ی مورد تحقیق عملکرد نیروی انتظامی و کنترل رسمی محله در کاهش مصرف دخانی جوانان تأثیر کاهنده دارد؛ ولی این اثر، به لحاظ آماری معنادار نیست. لذا، در تحلیل مصرف دخانی جوانان منطقه‌ی تحقیق، از نقش نیروی انتظامی صرف نظر می‌شود.

جدول ۴ (الگوی ۲): رگرسیون لجستیک سیگار کشیدن جوانان
بر مبنای نظریه بی‌سازمانی و کنترل اجتماعی

متغیرها	B	wald	متغیرها	B	Wald
مقدار ثابت	-۱/۵۳	۰/۵۳	اعتماد والدین به فرزند	-۰/۲۲	۲/۲۴
کنترل غیررسمی محله	۰/۳۱	۱/۰۹	مذهب خانواده	۰/۱۸	۰/۶۶
کنترل رسمی محله	-۰/۱۹	۰/۶۲	Ln (کج روی خانواده)	۱/۶۲	۷/۴۴
فعالیت مشترک در خانواده	-۰/۵۳	۴/۴۵	تحقیق توسط اولیای مدرسه	۰/۴۵	۶/۵۰
برنامه و هدف	-۰/۱۴	۰/۵۷	نفوذپذیری اولیای مدرسه	۰/۲۶	۱/۱۳
مشارکت در اجرا	۰/۱۸	۱/۱۵	عاقبت‌اندیشی	-۰/۱۰	۰/۴۷
معناداری الگو	۰/۰۰۱				
کای دو	۵۰/۵۲				
ضریب تعیین (آر دو)	۰/۲۹				
ضریب تفکیک	۰/۷۲				

مطابق الگوی (۲)، فعالیت مشترک در خانواده، نقش تضعیف‌کننده بر احتمال سوءمصرف سیگار توسط جوانان دارا است. این الگو، تصریح می‌کند که هرچه اعتماد والدین به فرزند بیشتر باشد، احتمال این که فرزند آنان مرتکب این رفتار انحرافی شود، کاهش می‌یابد. همچنین، کج‌روی خانواده بر احتمال سوءمصرف سیگار توسط جوانان، بیش‌ترین اثر فزاینده را دارا است.

الگوی (۲)، نشان می‌دهد که تمهیدات خانوادگی، برای کاهش احتمال جوانان به سوءمصرف سیگار به تنهایی کارآمد نیست؛ بلکه مدرسه نیز در این مهم سهم به‌سزا دارد. مطابق این الگو، در سطح مدرسه، هرچه اولیای دبیرستان دانش‌آموزان را بیش‌تر تحقیر کنند، احتمال این که این جوانان به سمت سوءمصرف سیگار متمایل شوند، افزایش می‌یابد.

این الگو، توانایی متمایز ساختن ۷۲ درصد پاسخ‌گویان برحسب سوءمصرف سیگار جوانان را دارد. با توجه به سطح بالای معناداری، می‌توان ادعا کرد که این نظریه‌های بی‌سازمانی و کنترل اجتماعی، فقط ۳۰ درصد از واریانس این رفتار انحرافی را تبیین می‌کند.

تحلیل رگرسیون لجستیک مطابق نظریه فراوانی معاشرت: الگوی (۳) که در جدول (۵) نشان داده شده، مبتنی بر تبیین سوءمصرف سیگار از دیدگاه نظریه فراوانی

معاشرت است. متغیرهای معنادار این الگو، شامل یک متغیر جمعیتی (سن پدر) و چهار متغیر در سطح محله است.

مطابق الگوی (۳)، در سطح خانواده، هرچه برای پاسخگو، سن پدر بیش‌تر باشد، احتمال سوءمصرف سیگار او افزایش خواهد یافت. این مهم، در پیروی جوانان از سلسله‌مراتب خود را نشان می‌دهد. یافته‌های کیفی که از مشاهدات و مصاحبه با جوانان و اولیای آنان به دست آمده، نشان می‌دهند که اولیایی که سن آنان بیش‌تر است، از جانب فرزندان نشان کم‌تر مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند. طبعاً، این جوانان بیش‌تر قواعد اجتماعی را رعایت کرده و نسبت به همسالان خود بیش‌تر از مجموعه‌ی انحرافات پرهیز می‌کنند.

جدول ۵ (الگوی ۳): الگوی رگرسیون لجستیک سوءمصرف سیگار جوانان

بر مبنای نظریه‌ی فراوانی معاشرت

متغیرها	B	Wald	متغیرها	B	Wald
مقدار ثابت	-۲/۸۷	۰/۶۰	کچ‌روی دانش‌آموزان	۰/۳۱	۰/۷۲
سن	۰/۰۸	۰/۱۵	کچ‌روی در محله	-۰/۰۷	۰/۱۰
پایه تحصیلی	۰/۳۴	۱/۶۵	Ln(کچ‌روی دوستان)	۱/۴۲	۲۴/۷۷
تحصیلات پدر	-۰/۰۹	۴/۸۶	حضور در قهوه‌خانه	۰/۰۲	۳/۱۹
مدت اقامت	-۰/۰۵	۲/۸۷	حضور در بیلبارد	۰/۰۳	۳/۹۲
معناداری الگو	۰/۰۰۰				
کای دو	۶۶/۲۳				
ضریب تعیین (آر دو)	۰/۳۸				
ضریب تفکیک	۰/۷۵				

الگوی (۳)، نشان می‌دهد که محله در افزایش احتمال ارتکاب جوانان به سوءمصرف سیگار، بیش‌ترین سهم را دارا است. طبق این الگو، هرچه مدت اقامت خانواده‌ها در محله‌های مورد پژوهش کم‌تر باشد، احتمال سوءمصرف سیگار توسط جوانان آنان بیش‌تر خواهد بود؛ به عبارت دیگر، احتمال سیگاری شدن جوانان خانواده‌های مهاجری که به‌تازگی به این محله‌ها مهاجرت کرده‌اند، بسیار بیش‌تر از آن‌هایی است که مدت اقامتشان بیش‌تر بوده است.

طبق این الگو، هرچه حضور جوانان در قهوه‌خانه‌ها و سالن‌های بیلبارد بیش‌تر باشد، احتمال سوءمصرف سیگار آنان افزایش خواهد یافت. هم‌چنین، این الگو نشان می‌دهد

که دوستان کچرو، در سیگاری شدن جوانان بیشترین نقش را دارند؛ به عبارت دیگر، دوستی با جوانان کچرو، احتمال این رفتار انحرافی را به طور چشم‌گیر افزایش می‌دهد. الگوی (۳)، توانایی آن را دارد که ۷۵ درصد جوانان را مبتنی بر سوءمصرف سیگار از یکدیگر متمایز شده‌اند. سطح بالای معناداری این الگو، قدرت تبیین ۳۸ درصدی این رفتار انحرافی را تأیید می‌کند.

با مقایسه‌ی نتایج تجربی سه الگوی نظری انحرافات اجتماعی، به‌عنوان نظریه‌های رقیب، می‌توان نتیجه گرفت که نقش شبکه‌های غیررسمی و پیوندهای دوستی جوانان، در سوءمصرف سیگار آنان، بیش‌تر از دیگر شرایط است. در این شبکه‌های دوستی موضوعات بسیار زیادی، از جمله سؤالات و تجارب شخصی، مطرح می‌شود و برسر این موضوعات بحث‌های زیادی درمی‌گیرد. شواهد کیفی تحقیق نشان می‌دهد که در این شبکه‌ها، جوانان موارد بسیار زیادی را، از مطالب درس گرفته تا انحرافات، به یکدیگر آموزش داده و از یکدیگر آموزش می‌بینند. البته لازم به ذکر است که نقش جوانان بزرگ‌تر در آموزش دادن و مدیریت این گروه‌ها بسیار مهم است (نقدی و همکاران، ۱۳۹۱؛ نقدی و همکاران، ۱۳۹۲؛ نقدی، ۱۳۸۵).

تا به اینجا قدرت تبیین نظریه‌های مختلف را به‌عنوان نظریه‌های رقیب بیان کردیم. ضرایب تبیین به‌دست آمده و متغیرهای معنادار در الگوهای ریاضی، مسیر اقدام‌پژوهی‌های محققان را تعیین ساخته است؛ لذا، طی سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ با توجه به نقش متغیرهای مربوط به هر الگوی نظری، جوانان مورد مطالعه تحت اقدام‌پژوهی قرار گرفته‌اند. فعالیت‌های متناظر عبارت بوده‌اند از:

- مشاوره فردی؛
- مشاوره خانواده؛
- اجرای بحث‌های گروهی در کلاس و استفاده از تجربیات جوانان و تطبیق آن تجارب با مقولات علمی؛
- اجرای کارگاه‌ها آموزش خانواده در مسیر کاهش کچروی جوانان.

در مورد نتیجه‌ی اقدام پژوهی‌ها، کافی است به کاهش هفت درصدی سوء مصرف سیگار توسط جوانان مورد تحقیق اشاره کرد که به نوبه‌ی خود نتیجه‌ای قدرتمند و دارای اعتبار است؛ اما همواره دو سؤال پیش روی محقق بوده است:

- چرا علی‌رغم گردآوری اطلاعات موثق و کافی، ضرایب تبیین الگوهای ریاضی، واریانس چندان بالایی از این نوع کج‌روی را دارا نبوده است؟! و مهم‌تر آن که:
- علی‌رغم اقدام پژوهی‌های موفق و کاهش هفت درصدی این رفتار انحرافی، هنوز حدود ۲۷ درصد از جوانان به این کج‌روی مبتلا هستند؟! و تبیین این نرخ کج‌روی چگونه میسر می‌شود؟

پرواضح است که علت را باید در چارچوب‌های نظری و قدرت تبیین الگوهای متناظر جستجو کرد؛ لذا، در سال ۱۳۹۳، با تغییر الگوی نظری و استفاده از الگوی اخلاق اجتماعی، این ضعف برطرف شده و قدرت تبیین الگوی ریاضی تا ۷۴ درصد افزایش یافته است.

در ادامه به الگوی رگرسیون لجستیک مبتنی بر نظریه تلفیقی اخلاقی اجتماعی پرداخته می‌شود که در نقطه‌ی محک چهارم؛ یعنی سال ۱۳۹۳ انجام شده است.

تحلیل رگرسیون لجستیک مطابق نظریه اخلاق اجتماعی: جدول (۶)، متعلق به الگوی (۴) و مربوط به معادله‌ی رگرسیون لجستیک سوء مصرف سیگار مبتنی بر نظریه اخلاق اجتماعی است. این الگو، با سه متغیر، توان توضیح ۷۴ درصد از تغییرات این رفتار انحرافی جوانان را دارد. در این الگو، مشاهده می‌شود که دو متغیر پیشینه‌ای و در سطح خانواده و یک متغیر در سطح مدرسه بر افزایش احتمال سوء مصرف سیگار جوانان مؤثرند.

مطابق الگوی (۴)، داشتن خواهر و تعداد آن‌ها در احتمال سوء مصرف سیگار توسط جوانان مورد تحقیق اثر تقویت‌کننده دارد. اثر علی‌چنین رابطه‌ای توسط تحقیقات عمیق کیفی نمایان می‌شود. شواهد کیفی که از مصاحبه و بحث‌های گروهی با دانش‌آموزان به دست آمده، حاکی از آن است که داشتن خواهر، با حضور دو شرط مداخله‌گر که در تعاملات محله‌ای نهفته است؛ احتمال این رفتار انحرافی را افزایش می‌دهد:

نخست، در شرایط محله‌های مورد تحقیق، برای پسران جوان، داشتن خواهر نوعی

نقطه ضعف محسوب شده و نگرانی‌های خاص خود را به دنبال دارد. حضور دختران در محیط بیرون از خانه (مسیر مدرسه و احیاناً خرید و...) و احتمال برقراری ارتباط میان آنان و پسران غریبه، هم‌چنین احتمال تعدی به آنان، نگرانی برادران را افزایش می‌دهد. این نوع نگرانی برای یک پسر جوان، در مقابل احتمال تعدی نسبت به مادر نیز وجود دارد؛ اما در مقایسه با خواهر بسیار ناچیز است.

جدول ۶ (الگوی ۴): الگوی رگرسیون لجستیک سو-مصرف سیگار جوانان بر مبنای نظریه تلفیقی اخلاق اجتماعی

Wald	B	متغیرهای مستقل
۱/۴۲	۳/۲۹	مقدار ثابت
۶/۳۴	۲/۳۸	تعداد خواهر
۵/۴۲	-۲/۲۷	تأیید مسئولان توسط معلمان و مربیان
۲/۲۴	-۰/۳۷	تحصیلات مادر
	۰/۰۰۰	معناداری الگو
	۲۷/۳۵۳	کای دو
	۰/۷۴۲	ضریب تعیین (آر دو)
	۹۱/۲	ضریب تفکیک

دوم، برخی رفتارها موجب تقویت احساس حمایت و قیمومیت دختران محل و از همه مهم‌تر خواهران را تقویت می‌کند. رفتارهایی همچون اقدام به حمل سیگار؛ نمایش سیگار کشیدن به همسالان و حضور در سر محله، با چنین وضعیتی، نوعی احساس بلوغ و توانایی در کنترل عوامل بیرونی را در پسران جوان تقویت می‌کند. چنین شرایطی ریسک دیگر رفتارهای انحرافی (خصوصاً خشونت) را افزایش می‌دهد^۱.

جوان‌هایی که چنین رفتارهایی از خود نشان می‌دهند، از هنجارهای معمول جامعه پیروی نکرده و سعی وافری جهت رعایت هنجارهای رابطه‌ای دوستی و محله‌ای خود دارند. در چنین شرایطی، پسرانی که دارای خواهری جوان هستند، با تعامل قوی‌تر و رعایت هنجارهای کچرو، جایگاه خود را در گروه‌های کچرو افزایش داده و احتمال تعدی به اعضای خانواده، به‌خصوص خواهر خود را، حداقل از جانب اعضای گروه و دیگر پسران محل کاهش می‌دهند. به این ترتیب، وجود مواردی که از نظر جوانان این محله‌ها، نقاط ضعف و آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند، مانند داشتن خواهر جوان در خانواده، احتمال

۱. تلازم آماری سیگار کشیدن پسران جوان با دیگر انواع کچروی را می‌توان در جدول ۱ مشاهده کرد.

جذب آنان در گروه‌های کج‌روی محله را افزایش داده و متعاقباً، احتمال پیروی آنان از هنجارهای کج‌رو، همچون سوءمصرف سیگار را تقویت خواهد کرد.

الگوی (۴)، نشان می‌دهد که سطح سواد مادر در احتمال سوءمصرف پسران جوان نقش تضعیف‌کننده ایفا می‌کند. شواهد کیفی تحقیق، مؤید آن است که اقتدار مادران در رفتار فرزندان (خصوصاً پسران) بسیار مؤثر است. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که اقتدار مادران را افزایش می‌دهد، میزان سواد آنان است. شواهد حاکی از آن است که مادران تحصیل کرده، برای اوامر و نصایح خود، مانند رعایت هنجارهای اجتماعی و پرهیز از کج‌روی‌ها، استدلال‌های نسبتاً قانع‌کننده‌ای را بیان می‌کنند؛ به‌طوری‌که آن نصایح و فرمان‌های اخلاقی را برای فرزندان خود درونی کرده؛ آنان را نسبت به رعایت هنجارهای اخلاقی، آن‌هم در شعاع محدود و خاص‌گرا، متمایل کرده و اقتدار خود را افزایش می‌دهند. به این ترتیب، افزایش اقتدار مادر، به همراه تمایل فرزندان به رعایت توصیه‌های مستدل مادر؛ موجب می‌شود که یکی از مهم‌ترین آن‌ها توصیه‌ها؛ یعنی پرهیز از سوءمصرف سیگار، به‌طور جدی رعایت شود. لذا، پسران جوانی که مادران تحصیل کرده‌تری دارند، احتمال کم‌تری دارد تا به سمت این رفتار انحرافی سوق پیدا کنند.

الگوی (۴)، نشان می‌دهد که تأیید مسئولان حکومتی توسط معلمان، نقش بسیار مهمی در کاهش احتمال سوءمصرف سیگار توسط دانش‌آموزان دارد. این رابطه‌ی علی نیز با واسطه‌ی چند شرط مداخله‌گر قابل توصیف است. به این ترتیب که اگر معلمان مسئولان را چه به لحاظ شخصیتی و چه به لحاظ عملکرد تأیید کنند، مشروعیت مسئولان نزد شاگردان افزایش خواهد یافت. با افزایش مشروعیت و مقبولیت مسئولان، سلسله‌مراتب سیستم اجتماعی، حمایت بیش‌تری می‌یابد. با ارج نهادن به سلسله‌مراتب سیستم، اهمیت و برجستگی هنجارهای اجتماعی و اخلاقی و لازم‌الاجرا بودن آن‌ها نیز کم‌تر مورد تردید قرار خواهد گرفت؛ زیرا همان‌طور که چلبی می‌گوید: «هنجارهای اخلاقی و اجتماعی، خود دارای سازگاری درونی و اهمیتی مبتنی بر سلسله‌مراتب هستند» (چلبی، ۱۳۸۹). طبعاً، در چنین شرایطی، دستورات اخلاقی مانند «سیگار نکش!» و «از سوءمصرف سیگار بپرهیز!»، از شأن‌الایی برخوردار بوده و احتمال کنارگذاشتن آن‌ها توسط جوانان کاهش می‌یابد.

البته، لازم به ذکر است که تأیید مسئولان توسط معلمان و عوامل فرهنگی در محیط‌های آموزشی، تابع ارزیابی معلمان از مسئولان و عملکرد آنان است. چنین ارزیابی‌ای تابع شرایط خاصی است که مختصراً شرح داده می‌شود. شواهد کیفی که از مصاحبه با معلمان و مربیان، هم‌چنین شاگردان آنها حاصل شده، مؤید آن است که از نظر فرهنگیان، مهم‌ترین وجه مشروعیت مسئولان، عدالت توزیعی یا برنامه‌های توزیع عادلانه‌ی مزایا در سطح جامعه است. اگر معلمان و عوامل فرهنگی مدارس، توزیع مزایای چهارگانه‌ی مالی، موقعیتی، منزلتی و فرهنگی را عادلانه ارزیابی کنند؛ آنگاه مشروعیت مسئولان و طراحان راهبردی نزد معلمان (و دیگر اقشار جامعه) افزایش یافته و این مشروعیت کاملاً نمایان می‌شود.

حال اگر معلمان و مربیان، شاهد توزیع ناعادلانه‌ی مزایا باشند، این ضعف در عدالت توزیعی به دو شکل توسط معلمان به منتهی‌الظاهر می‌رسد. نخست، توزیع ناعادلانه به عوامل قانون‌گذار و اجرایی مربوطه؛ یعنی مسئولان، نسبت داده شده و توانایی و کفایت آنان مورد تردید قرار خواهد گرفت. دوم، با زیر سؤال رفتن مسئولان مربوطه، مسئله توزیع عادلانه‌ی موقعیت‌ها، پست‌ها و مناصب مورد تردید واقع شده و متعاقباً توانایی و عدالت سیستم کل در جایگاه شک و تردید قرار خواهد گرفت. چنین شرایطی، ناراضی‌پسند فرهنگیان را به دنبال داشته و با وجود نظارت‌های بیرونی، حتماً به نوعی در مجموعه‌ی روابط فرهنگیان بروز خواهد کرد (م.ش. خانه ۱).

خانه ۱: مکانیسم نظارت نه‌چندان موفق

شواهد کیفی، حاکی از آن است که مکانیسم‌های مهار معلمان و عوامل فرهنگی در آموزش و پرورش که توسط بخش حراست اجرا می‌شود، چندان توانا نبوده‌است. احضار معلمان معترض که تعداد بسیار اندکی را تشکیل می‌دهند؛ بازخواست، تهدید و مجازات اداری آنان توسط عوامل حراست، علی‌رغم نیت پاک و دلسوزانه‌ی بخش حراست، نتایج منفی بیش‌تری برجا گذاشته است.

چهبسا، برخوردهای عجولانه و خام برخی عوامل حراستی، شک فرهنگیان معترض نسبت به توزیع ناعادلانه‌ی مواضع اجتماعی و سازمانی را تشدید ساخته است. با توجه به پتانسیل فرهنگی تضاد با سیستم دولتی در جامعه‌ی ایران^۱، به دنبال این رفتارهای غیرعلمی و ناموثق برخی عوامل حراست، این امکان وجود دارد که در یک ارزیابی عجولانه از سوی معترضان، این ناراضی‌پسند به مسئولان بالادستی تعمیم داده شده و با بازتاب بیش‌تری به همکاران و شاگردان منعکس شود. لذا شایسته است که عملکرد بخش حراست و عوامل زحمت‌کش آن، کاملاً حساب شده و با مستندات علمی همراه باشد؛ تا از نتایج منفی و غیرقابل پیش‌بینی جلوگیری شود.

۱. رفیع‌پور، دولت ستیزی را در کنار دو عامل نظام ایلی و ساختار فئودالی، سه عنصر فرهنگی و زیربنایی جامعه ایران می‌داند (رفیع‌پور، ۱۳۸۳). او درجایی دیگر بر استبداد نیز به‌عنوان یک عنصر فرهنگی اشاره دارد: «استبداد یک مسئله فرهنگی است که در بیش‌تر جوامع کم‌وبیش وجود داشته و دارد. در ایران بالأخص، به علت تاریخ طولانی و حکومت‌های شاهان گذشته، استبداد یک ریشه بسیار قدیمی و قوی دارد که آثار خود را در بسیاری از زمینه‌ها نشان می‌دهد» (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۳۸۳).

با وقوع این دو شرط، به‌عنوان شروط وقوع، مسئولان چنین شرایطی از جانب فرهنگیان مورد تأیید قرار نخواهند گرفت. متعاقباً، دستورات اخلاقی و هنجارهای اجتماعی که از جانب سیستم کل و مسئولان مربوطه مورد حمایت قرار می‌گیرند، از سوی کنشگران اجتماعی، پایگاه اخلاقی و اجتماعی خود را از دست داده و چندان مورد توجه قرار نخواهند گرفت. در چنین شرایطی، جوانانی که شرایط وفاداری نسبت به سیستم کل را به طور کامل دارا نیستند، اعتمادشان نسبت به سیستم و هنجارهای اخلاقی تضعیف شده و احتمال تمایل آنان نسبت به رفتارهای انحرافی، از جمله سوءمصرف سیگار، افزایش خواهد یافت.

به این ترتیب، نظام اجتماعی کل که مسئول توزیع مزایا است؛ سهم بسزایی در گرایش جوانان نسبت به رفتارهای کج‌رو در سطح جامعه دارد. این توضیح از آنجا تأکید می‌شود که در مقابل تأثیر متغیرهای سطح کلان، تمهیداتی همچون اقدام پژوهی، توانایی‌چندانی در مهار و توقف پدیده‌های منتهجه نخواهد داشت.

با این حال، مبتنی بر نتایج تحقیق، می‌توان دستورالعمل‌های مشخصی را در مسیر اقدام پژوهی‌های آتی تجویز کرد. بر این مبنا، توصیه می‌شود مشاوران و اقدام پژوهان نقد اثباتی را در میان فرهنگیان، اعم از معلمان، مربیان و مدیران ترویج دهند. نقد اثباتی، در معنای اخص خود در چند گام میسر است: نخست، آشکار کردن نقاط قوت موثق در مورد مسئولان و عملکرد آنان؛ دوم، بیان نقاط ضعف احتمالی به شکل مستدل و توأم با محترم شمردن سلسله‌مراتب و سوم، اظهار راه‌حل‌های ممکن به‌طور شفاف و دقیق. به این طریق، نقد مسئولان از بدبینی و سیاه‌نمایی خارج شده و به حسن نیت و خیرخواهی ملی نزدیک می‌شود. در چنین حالتی، اقتدار و سلسله‌مراتب نزد جوانان و مستمعان حفظ شده و مهم‌تر آن که شأن دستورات اخلاقی، همچون «سیگار نکش!» نیز محفوظ باقی خواهد ماند.

به‌هر حال، باید دانست که اظهار نارضایتی و بدبینی سیاسی از طرف معلمان و مربیان، موجب تضعیف سلسله‌مراتب خواهد شد. بیان نارضایتی و شکایت نسبت به مسئولان و اوضاع سیاسی، بدون نقد اثباتی، قطعاً روند ترویج اخلاقیات را به مخاطره خواهند انداخت و درجه‌ی تبعیت جوانان از اولیای خانه و مدرسه را تضعیف خواهد کرد. پرواضح است که توسعه‌ی چنین شرایطی، به سود هیچ‌کس نیست؛ لذا، تأکید می‌شود که

مربیان ناراضی، حتی المقدور از بیان آن به صورت تخریبی و بدون استدلال خودداری کنند تا فرایند تربیت اخلاقی جوانان به اهداف خود نزدیک‌تر شود.

مجدداً تأکید می‌شود که این پژوهش در نظر ندارد؛ نتایج الگوی تلفیقی را به تمام جامعه تعمیم دهد و همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد: نتایج به دست آمده در شرایط اجتماعی- فرهنگی خاصی صادق است؛ اما در عین حال، شرایط مشابه زیادی را در دیگر مناطق استان تهران و کلان‌شهرهای دیگر می‌توان مشاهده کرد که شرایط یادشده در آن‌ها صادق است؛ از این‌رو، این نتایج بسیار قابل ملاحظه و با اهمیت هستند.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق، عوامل مؤثر بر سوء مصرف سیگار، توسط پسران جوان مورد تحلیل و اقدام پژوهی طولی قرار گرفت. اکنون با عنایت به نتایج تحقیق، می‌توان در مورد پرسش‌های محوری و فرضیات پژوهش اظهار نظر کرد و پیشنهادهایی ارائه کرد.

در مورد پرسش نخست، تأکید می‌شود که اهمیت کیفی و کمی سوء مصرف سیگار توسط دانش‌آموزان آشکار شده است. در این مرحله، مشخص شده که بیش از ۳۰ درصد پسران جوان تجربه‌ی این رفتار کج‌رو را داشته‌اند. مهم‌تر آن که تلازم آماری نسبتاً قوی، میان سیگار کشیدن با دیگر رفتارهای کج‌رو وجود دارد.

پرسش دوم مستقیماً به فرضیه‌ی تحقیق مربوط است. نتایج کمی تحقیق، نشان می‌دهد که انواع کج‌روی در خانواده، تحقیر شدن توسط اولیای مدرسه، کج‌روی دوستان، حضور در قهوه‌خانه و سالن‌های بیلارد این نوع کج‌روی را تقویت می‌کند.

برای توضیح بیش‌تر نقش فضای اجتماعی محله، خانواده و تعاملات موجود میان دوستان، به نتایج کیفی پژوهش نیز مراجعه می‌شود. نتایج کیفی نیز یافته‌های کمی را مورد تأیید قرار می‌دهند. مطابق این یافته‌ها که از مصاحبه با دانش‌آموزان به دست آمده، حاکی از آن است که سیگار کشیدن، به عنوان یک رفتار انحرافی پیش‌تاز، قبح دیگر رفتارهای انحرافی را در میان پسران از میان می‌برد و آنان را راحت‌تر به سوی انواع کج‌روی‌ها سوق می‌دهد. اقدام پژوهی مزبور که گزارش این مقاله بر آن استوار است؛ در جهت کاهش اثر شرایط و متغیرهای سهیم در سوء مصرف سیگار است. این متغیرها، در سطوح خانواده، مدرسه و جامعه هستند. پرواضح است که متغیرهای سطح جامعه،

نمی‌توانند مورد هدف اقدام‌پژوهی معلمان و عوامل مدرسه باشند؛ اما سهم متغیرهای سطوح میانه (خانواده و مدرسه)، هم‌چنین قابلیت کار با آن‌ها، محقق را بر آن داشت تا در این ابعاد اقدام‌پژوهی طولی را با اهداف مشخص به اجرا گذارد.

مطابق نتایج تحقیق، بخشی از دلایل سوءمصرف سیگار توسط جوانان به محیط خانواده برمی‌گردد. به قول رابرتسون، یکی از مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیری در همه جوامع، خانواده است... بخش مهمی از جامعه‌پذیری که در خانواده رخ می‌دهد عمدی و آگاهانه است ولی بخش زیادی از آن ناخودآگاه است. الگوهای کنش متقابل اجتماعی درون خانواده، ممکن است الگوهای ناخواسته را برای شکل‌گیری رفتار و شخصیت بعدی کودکان؛ یعنی زمانی که به سن بلوغ می‌رسند، فراهم سازد (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۱۲۸). رفیع‌پور نیز در مورد روابط اجتماعی در خانواده‌ها می‌گوید: «... همین روابط اجتماعی (بالأخص) پدر با بچه‌ها است که موجب تقلید رفتار آن‌ها از جانب فرزندان و پیروی و رعایت هنجارها و ارزش‌های اولیا و در مقابل، مانع انحراف (مانع پذیرش رفتار انحرافی جوانان منحرف هم‌دوره) می‌شود» (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۳۸۹).

شواهد کیفی (شاخص انحرافات در خانواده)، نشان می‌دهند که در برخی از خانواده‌ها، الگوهای رفتاری و تفریحی بعضاً به صورت رفتارهای کج‌رو، مانند: استفاده از مشروب الکلی، به صورت فردی و گروهی، به‌ویژه در جشن‌ها؛ تهیه و ساخت مشروب؛ استفاده از سیگار و تریاک، وجود دارد.

هم‌چنین اعضای برخی از خانواده‌ها دچار کج‌روی‌هایی می‌شوند، مانند: دعوا و ضرب و شتم؛ رابطه نامشروع با یک زن یا یک دختر که اغلب از دید اعضای دیگر خانواده، مخصوصاً جوانان و نوجوانان پنهان نمی‌ماند. این رفتارها در خانواده، به‌طور غیرمستقیم به جوانان مشاهده‌کننده، آموزش کج‌روی می‌دهد.

شواهد تحقیق نشان می‌دهد که جوانان، در گروه‌های دوستی، حرف و کلام و منظور یکدیگر را بهتر می‌فهمند؛ لذا جریان یادگیری در گروه‌های دوستی بسیار راحت و بعضاً غیرمستقیم انجام می‌شود. در این گروه‌های دوستی، تجربیات مجرب‌ترها به دیگران منتقل می‌شود (چه در مطالب درسی و چه در موضوعات کج‌رو) و در این انتقال تجربه است که بیش‌ترین یادگیری برای جوانان صورت می‌گیرد. «این نکته حائز اهمیت است که یک نوجوان دانش‌آموز، در مدرسه فقط روابط رسمی و آموزش رسمی ندارد و لذا

چنان که دیدیم، در جامعه فقط ارزش‌ها و هنجارهای مفید به انسان منتقل نمی‌شود و بستگی به این دارد که آن جامعه تا چه اندازه سالم باشد (تعداد گروه‌ها و افراد منحرف آن چقدر باشند) و افراد با چه نوع تیپ‌هایی بیش‌تر روابط اجتماعی دارند تا کمال هم‌نشین در آن‌ها اثر کند. اتفاقاً در این دومین مرحله از اجتماعی شدن [در مقابل مرحله نخستین اجتماعی شدن در خانواده] است که خطرات زیادی انسان را تهدید می‌کند» (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۳۹۷).

یادآوری می‌شود که دامنه ارتباط جوانان و دانش‌آموزان به مدرسه منتهی نمی‌شود. گروه‌های نسبتاً هم‌سال، در بیرون از مدرسه، در پارک، قهوه‌خانه، ویدئوکلوب، باشگاه بلیارد یا سر محله‌ها و... با هم قرار می‌گیرند و در مورد دل‌مشغولی‌های خود با یکدیگر درد دل می‌کنند؛ بعضاً به‌طور جمعی سیگار می‌کشند و احساس همدلی و همبستگی بیش‌تری می‌کنند. آن‌ها با دلسوزی یکدیگر را راهنمایی می‌کنند و خودشان را در مشکلات یکدیگر غرق می‌کنند. این احساس همدلی و درک متقابل از یک‌طرف و از طرف دیگر، عدم درک متقابل اولیا و مربیان، باعث می‌شود که همبستگی بین دوستان بیش‌تر و فاصله‌ی اجتماعی نوجوانان و جوانان، از اولیا خود و مربیان مدارس بیش‌تر شود. از این‌رو، برای این‌که جوانان بتوانند رشد جسمی و فکری مناسبی داشته باشند، رفتار اعضای خانواده باید مورد ارزیابی قرار گیرد. هم‌چنین خانواده‌ها باید نسبت به روابط فرزندان با دوستان حساسیت و ظرافت‌های لازم را به‌عمل آورند تا آگاهی کافی را نسبت به شبکه دوستان فرزندان کسب کنند. در این میان، استفاده مناسب از ابزار و آلات صوتی، تصویری و الکترونیکی نیز باید مورد دقت و توجه کامل قرار بگیرد.

تا به اینجا، علت‌های مقوم این کج‌روی را می‌توان در سطوح خرد و متوسط جامعه ردیابی کرد؛ اما اگر ریشه‌های برخی متغیرها، به سطوح کلان وصل باشد، جای تردید دارد که بتوان به‌راحتی و با اقدام‌پژوهی‌های متواتر جلوی چنین کج‌روی‌هایی را گرفت. در مورد پرسش سوم که عوامل بازدارنده‌ی این رفتار کج‌رو را در کانون توجه قرار دارد؛ می‌توان به الگوهای رگرسیون‌ی تحقیق مراجعه کرد. نتایج کمی تحقیق نشان می‌دهد که انواع کج‌روی در خانواده، تحقیر شدن توسط اولیای مدرسه، کج‌روی دوستان، حضور در قهوه‌خانه و سالن‌های بلیارد، این نوع کج‌روی را تقویت می‌کند. از طرف دیگر، داشتن فعالیت مشترک در منزل، اعتماد والدین به فرزندان، تحصیلات والدین و نهایتاً تأیید

مسئولان سطح بالای کشور توسط معلمان و مربیان، بر این نوع کج‌روی اثر بازدارنده دارد.

در پاسخ به پرسش چهارم، با توجه به نتایج تحقیق، باید تأکید کرد که اقدام پژوهی‌هایی که ضرورتاً در سطوح خرد و متوسط است، می‌تواند نتایج نسبتاً خوبی به دنبال داشته باشد.

اما در مورد پرسش پنجم، تأکید می‌شود که برای مهار رفتارهای انحرافی، شایسته است که اقدامات لازم در تمام سطوح خرد، متوسط و کلان صورت گیرد. مطابق یافته‌های تحقیق، معلمان و مربیان که شاهد توزیع ناعادلانه‌ی مزایا هستند، عمدتاً این ضعف در عدالت توزیعی را بروز می‌دهند. متعاقباً توانایی و عدالت سیستم کل توسط دانش‌آموزان در جایگاه شک و تردید قرار خواهد گرفت. چنین شرایطی، نارضایتی جوانان را نیز به دنبال داشته و با وجود نظارت‌های بیرونی، به نوعی در هنجارشکنی‌های آنان آشکار می‌شود. در چنین شرایطی، سوء مصرف سیگار توسط جوانان، بیش‌تر متوجه شرایط توزیع عادلانه‌ی مزایا و موقعیت‌های اجتماعی است؛ بنابراین، یکی از مهم‌ترین شرایط سوء مصرف سیگار توسط جوانان مورد مطالعه، به‌طور ساختاری و از سطح کلان نشئت گرفته است و این مؤید آن است که تغییر آن، چندان بر عهده‌ی شرایط سطوح میانه و خرد نیست.

حال سؤال این است که این پژوهش، چه پیشنهادهایی برای کاهش این کج‌روی دارد؟ اگر بتوانیم یافته‌های این تحقیق را به شرایط مشابه و حاشیه‌های شهرهای بزرگ تعمیم دهیم؛ با توجه به این یافته‌ها، می‌توان وضعیت منحصر به فردی را در حاشیه‌های شهرهای بزرگ مثل تهران مشاهده کرد و پیشنهادهای زیر را ارائه کرد.

پیشنهادهای

پیشنهاد‌های ایجابی این پژوهش برای کنترل و کاهش سوء مصرف سیگار توسط جوانان، متمرکز بر اقدام پژوهی بوده و متوجه نهادهای تربیتی آموزش و پرورش و خانواده است. با توجه به این که یکی از مهم‌ترین شرایط تأثیرگذار در این کج‌روی، فضاهای دوستی آن‌هاست و محیط مدارس بیش‌ترین زمان را برای تأثیر این فضاها داراست و در محدوده کنترل معلمان و مربیان است (در مقابل محیط خانه جوانان که در محدوده کنترل آن‌ها

نیست)؛ پیشنهاد می‌شود که به محیط مدارس، مدیریت کارا، انتقال دانش و آگاهی (علمی و عملی) و نظارت غیرمستقیم در این محیط‌ها اهمیت بیش‌تری داده شود. برنامه‌های درسی و تفریحی در قالب فعالیت‌های درسی و فوق‌برنامه، در محیط مدرسه و خارج از مدرسه به‌صورت سفرهای یک یا چند روزه، توصیه می‌شود. هم‌چنین توصیه می‌شود که این نوع فعالیت‌ها با نظارت مربیان آگاه و توانا، طوری طراحی شوند که جوانان:

- برای رسیدگی به این برنامه‌ها، وقت بسیاری را بگذارند.
- کنترل بر احساس خود و روند تفکر منطقی و انتقادی را آموزش ببینند.
- برنامه‌ریزی و چگونگی اجرای آن برنامه‌ها را یاد بگیرند.
- مهارت‌های اجتماعی، از جمله ایجاد روابط اجتماعی و بحث‌های گروهی و منطقی را یاد بگیرند.
- به‌طور غیرمستقیم، به پیامد رفتارهای انحرافی آگاهی یابند و در مورد این‌گونه رفتارها اظهار نظر کنند.
- در پی موارد فوق، یاد بگیرند که به‌طور غیرمستقیم، این آموزش‌ها را به خانواده منتقل کنند و از تجربیات افراد خانواده استفاده نمایند.
- نتایج آموزش‌ها و عملکرد خود را در قالب بحث گروهی، روزنامه دیواری یا کارگاه‌های آموزشی به دبیران و دیگر دانش‌آموزان انتقال دهند.
- به‌علاوه، تأکید می‌شود که برای ارتقای سطح فرهنگی عوامل مدارس، برنامه‌های طراحی شود تا در پرتوی آن‌ها، نقد اثباتی در میان فرهنگیان ترویج یابد. مطابق نتایج تحقیق، نقد اثباتی و مستدل که از نفی جانب‌دارانه‌ی مسئولان جلوگیری کرده و نقاط قوت کار آنان را برجسته می‌کند؛ موجب استحکام نظم و انضباط دانش‌آموزان می‌شود و متعاقباً، بذر تمایل نسبت به رعایت هنجارهای اخلاقی جامعه را در وجود آنان خواهد کاشت.

پیشنهاد می‌شود که در قالب جلسات اولیا و مربیان، برنامه‌هایی طراحی شود که تداوم روابط میان خانه و مدرسه، منطبق با معیارهای علمی برقرار شود. در این برنامه‌ها، روش‌های آموزشی برای والدین و ترغیب آنان به هم‌نوایی با فرزندان (توأم با راهبردهای تربیتی) و احترام به شخصیت آنان آموزش داده شود. هم‌چنین در این برنامه‌ها ارتقای

تحمل والدین در برابر واکنش‌های تند فرزندان و متناسب با شرایط سنی جوانان برنامه‌ریزی شود.

۱۲۱

پیشنهاد می‌شود که مدارس و خانواده‌ها (در صورتی که خود اعتقاد مذهبی دارند)، مفاهیم مذهبی را به شکل‌های جذاب و غیرمستقیم به جوانان منتقل کنند. در این صورت انجام فرایض مذهبی به‌طور درونی و فارغ از فشار و زور، در جوانان متبلور خواهد شد. در عین حال، پیشنهاد می‌شود؛ خانواده‌هایی که گرایش‌های مذهبی ندارند، جلوی عقاید و اجرای فرایض مذهبی فرزندان را نگیرند؛ زیرا با این کار احتمال بروز انحرافات فرزندان خود را افزایش خواهند داد.

تأکید می‌شود که نتایج چنین سیاست‌گذاری، در قالب اقدام‌پژوهی‌های طولی ارزیابی شده و عوامل مدرسه در جریان آن نتایج قرار گیرند. هم‌چنین برای نائل آمدن به این مهم، به موازات برنامه‌ریزی‌های منظم و همراه با پژوهش در آموزش و پرورش، توجه به رسانه‌ها و پژوهش منظم نسبت به پیامدهای این برنامه‌ها تأکید می‌شود.

با این راهبردها و راه‌کارها، انتظار می‌رود که جوانان به‌طور غیرمستقیم در زمینه‌های علمی و مهارت‌های اجتماعی به‌طور منظم آموزش ببینند و در پی آن نیز میزان کنترل و پرهیزگاری درونی آن‌ها نسبت به رعایت اخلاق اجتماعی بالا رود. البته اجرای این‌گونه برنامه‌ها و نتایج آن‌ها حتماً باید مورد تحقیق و پژوهش قرار گیرد.

منابع

- برک، لورا (۱۳۸۹). روان‌شناسی رشد؛ از نوجوانی تا پایان زندگی. جلد دوم. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران. انتشارات آرسباران.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: چاپ اول. نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۹). تحلیل نظری منشأ و ارتباط هنجارهای اجتماعی و نابرابری‌ها. مجله‌ی تحلیل اجتماعی؛ نظم و نابرابری‌های اجتماعی. صص. ۲۶-۱.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۴). درآمدی بر جامعه. ترجمه حسین بهروان. تهران: انتشارات آستان قدس.

- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۵). **جامعه، احساس و موسیقی**. چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). **آنومی یا آشفتگی اجتماعی**. چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۶). **توسعه و تضاد؛ کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران**، چاپ اول، تهران: مرکز چاپ و نشر دانشگاه شهید بهشتی.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۳). **عناصر زیربنایی جامعه ایران؛ نظام ایلی، دولت ستیزی و ساختار فئودال**، پژوهشنامه علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۲ - ۴۱، صفحات ۳۷-۵۲.
- نقدی، وحید (۱۳۸۵). **بررسی تأثیر گروه‌های غیررسمی بر کج‌رفتاری جوانان**. دانشنامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.
- نقدی، وحید (۱۳۹۱^{الف}). **بررسی جامعه‌شناختی تربیت اخلاقی در آموزش و پرورش ایران: با تأکید بر هنجارهای اخلاقی انصاف و صداقت**، رساله دکتری به راهنمایی مسعود چلبی (استاد جامعه‌شناسی گروه علوم اجتماعی)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.
- نقدی، وحید (۱۳۹۱^ب). **بررسی تأثیر هنجارهای اخلاقی و تربیتی بر خشونت جوانان، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های انتظام اجتماعی**، سال چهارم، شماره سوم: ۷-۴۰.
- نقدی، وحید (۱۳۹۲^{الف}). **مطالعه تطبیقی حاکمیت قانون در کشورهای آسیای جنوب شرقی: با تأکید بر نقش اخلاق اجتماعی، دوفصلنامه علمی-پژوهشی تحلیل اجتماعی**، دانشگاه شهید بهشتی، شماره بهار و تابستان ۹۱، ۶۱/۴.
- نقدی، وحید (۱۳۹۲^ب). **کندوکاوی در مورد نظریه اجتماعی اخلاق: با تأکید بر نظریه نظم اجتماعی**، **مجله رشد علوم اجتماعی**، شماره ۶۱ زمستان ۹۲، صص. ۲۴-۲۹.
- نقدی، وحید و سیدمحمد سیدمیرزایی (۱۳۹۲^ب). **بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر**

مشروب خواری جوانان، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های انتظام اجتماعی، دانشکده علوم و فنون انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی، سال پنجم، شماره چهارم.

- نقدی، وحید و نوین تولایی (۱۳۹۲ع). بررسی جامعه‌شناختی رعایت هنجار صداقت در جوانان: با تأکید بر روش‌های تربیتی خانواده و مدرسه، مجله علمی-پژوهشی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت‌معلم، دوره چهارم، شماره ۲.

- نقدی، وحید؛ تولایی، نوین و سیدمحمد سیدمیرزایی (۱۳۹۲ الف). بررسی تطبیقی توسعه‌ی موزون در کشورهای آسیای جنوب شرقی: با تأکید بر ضرورت جمعیت منضبط و با اخلاق، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، پاییز ۹۲، شماره ۱۶.

- نقدی، وحید؛ سید میرزایی، سیدمحمد و ابراهیم خدایی (۱۳۹۱). بررسی انحرافات جنسی جوانان (مورد مطالعه: غرب تهران)، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال چهارم، شماره اول: ۸۰-۳۹.

- وندر زندن، جیمز دبلیو (۱۳۸۱). روان‌شناسی رشد. ترجمه حمزه گنجی، تهران: انتشارات رشد.

- Akers, Ronald L. and Christine Sellers S. (2003) *Criminological Theories: Introduction, Evaluation, and Application*, 4th Edition.

- Baker, Therese L. (1999) *Doing Social Research*, second edition, published by McGraw Hill.

- Baron Stephen W. (2004). "General Strain, Street Youth and Crime: A Test of Agnew's Revised Theory" *Criminology*, Academic Research Library, p.458.

- Bernard Thomas J. and Jeffrey B. Snipes (1996) "Theoretical Integration in Criminology". *Crime and Justice*, Vol. 20, pp. 301-348.

- Bicchieri, Cristina (2006) *The Grammar of Society; The Nature and Dynamics of Social Norms*, Second edition, published by Cambridge University Press.

- Brezina, Timothy (2003) "Social Deviance: Testing a General Theory, Contemporary Sociology" *Academic Research Library* pp.

- Cohen, Albert and James F. Short (1971) "Crime and juvenile delinquency", in Merton and Nisbet, *Contemporary Social Problems*, Harcourt Brace Jovanivich, Inc.

- Cook, Dee (2006) *Criminal and Social Justice*, first published by SAGE publication.
- Cotello, Patric j. (2011) *Effective Action Research: Developing Reflective Thinking and Practice*, 2nd edition, Continuum Press.
- Cullen and Agnew (2002) "Criminological Theory: Past to Present (essential readings)". *Los Angeles, CA: Roxbury*.
- Fenwick, Mark (2006) "Japan: From Child Protection to Penal Populism", in Mincie John and Barry Goldson *Comparative Youth Justice: Critical Issues*, first published in SAGE publication: 146-158
- Hagan, Jone and Holly Foster (2001) "Youth Violence and the end of adolescence", *American Sociological Review*, Vol. 66,: 874-899.
- Heimer Karen and Ross L.Matsuda (1994) "Role-Taking, Role Commitment, and Delinquency: A theory of differential social control", *American Sociological Review*, Vol.59.
- Hudson, Barbara (2003^a) *Justice in the Risk Society: Challenging and Reaffirming Justice in Late Modernity*, first published by SAGE Publication Inc.
- Hudson, Barbara (2003^b) *Understanding Justice: An Introduction Ideas, Perspectives and Controversies in Modern Penal Theory*, second edition, Open University Press.
- Jang, Sung Joon and Byron R. Johnson (2003) "Strain, Negative Emotions, and Deviant Coping Among African Americans: A Test of General Strain Theory", *Journal of Quantitative Criminology*, Vol. 19, No. 1.
- Krisberg, Barry (2006) "Discovering the Juvenile Justice Ideal in the United States", in Mincie John and Barry Goldson *Comparative Youth Justice: Critical Issues*, first published in SAGE publication: 6-18.
- Levine, Phillippe B. and Tara Gustavson and Ann Velenchik (1997) "More Bad News for Smokers? The Effects of Sigarette Smoking Wages", *Industrial and Labor Relations*, Vol. 50, No. 3: 493-511.
- Lyons, David (1999) *Ethics and the Rule of Law*, seventh edition, published by Cambridge University Press.
- McIntyre, Alice (2008) *Participatory Action Research; Qualitative Research Methods Series*, Sage Publication.
- McKee, James B. (1969) *Introduction to Sociology*. Web Book.
- Mith, Philip and Kristin Natalier (2005) *Understanding Criminal Justice: Sociological Perspective*, first published by SAGE Publication Inc.
- Merton, Robert K. & Nisbet, Robert (1971) *Contemporary Social Problems*, Harcourt Brace Jovanivich, Inc.
- Muncie John and Barry Goldson (2006) "England and Wales: the New Correctionalism", in Mincie John and Barry Goldson *Comparative Youth*

- Justice: Critical Issues*, first published in SAGE publication: 34-47
- Ragin, Charles C. (2003) "Making Comparative Analysis Count", *University of Arizona Inc.*
 - Schaefer, Richard T. and Robert P. Lamm (1995) *Sociology*, Mc GRAW HILL.
 - Schlechty, Philip C. (2001) *Inventing Better Schools: An Action Plan for Educational Reform*, Published by Jossey-Bass Inc.
 - Shader, Michael (2004). "Risk Factors for Delinquency: An Overview." *U.S. Department of Justice programs*, Office of Juvenile Justice and Delinquency Prevention.
 - Sharf, Richard S. (2001). *Theories of Psychotherapy and Counseling*. Mc GRAW HILL.
 - Silver, Eric and Lisa L. Miller (2004) "Sources of Informal Social Control in Chicago Neighborhoods", *Criminology*; 42, 3; Academic Research Library.
 - Simons Ronald L. and Leslie Simons and Gordon (2004) *Families, Delinquency, and Crime*, Roxbury Publishing Company.
 - Smandych, Russel (2006) "Canada: Re-penalization and Youn Offeders' Rights", in Mincie John and Barry Goldson *Comparative Youth Justice: Critical Issues*, first published in SAGE publication: 19-33.
 - Somekh, Bridget (2006) *Action Research: a Methodology for Change and Development*, McGraw-Hill House.
 - Steiner, Hillel (2006) "Moral Rights", in Copp, David, *The Oxford Handbook of Ethical Theory*, Oxford University Press, Inc. Pp. 459-479.
 - Stuewig, Jeffrey and Laura A. McCloskey (2005) "The Relation of Child Maltreatment to Shame and Guilt among Adolescents: Psychological Routes to epression and Delinquency", *Child maltreatment*, Vol.10, No. 4.
 - Törnblom, Kjell and Riël Vermunt (2007) *Distribution and Procedural Justice: Research and Social Applications*, Ashgate Publishing Company.
 - WHO (2013^a) "Smoking's Immidiate Effect on the Body", in www.tobaccofreekids.org: 1-9.
 - WHO (3013^b) "Cigarette Ingredients", in *Make Smoking History*: 1-2.
 - WHO (3013^c) "Cigarette Butts and the Environment" in *Cigarette Butts*: 1-2.
 - WHO (2012) "Tobacco and Oral Health", in *Ash Research Report*: 1-14.
 - Wüst, Miriam (2009) "The effect of cigarette and alcohol consumption on birth outcomes", SFI – The Danish National Centre for Social Research: 1-50.
 - Yin, Robert k. (2003). *Case study Research; Design and Methods*. Applied social research methods series, Volume 5. Third Edition. Sage Publication.



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو د مرکز
پرتال جامع علوم انسانی